

استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

مجلس اقلیتی توان پاسخگویی منافع ملی را نخواهد داشت

راهی جز گام برداشتن بسوی یک همه پرسی برای تغییر ساختار حکومت پیش رو نداریم

ایران زیر فشار و حقیقتان قرار ندارند، زندانهایشان جایگاه روزنامه نگاران و اهل قلم و مبارزان سیاسی و نیروهای دانشجویی نیست. آنان با قتل های زنجیره ای سیاسی و توقیف گروهی روزنامه ها آشنایی ندارند. در انجاها جرم سیاسی تعریف مشخصی دارد و شکنجه در قاموس آنها مطرح نیست. بی گفایی و بی سیاستی، منافع کلان ملی آنها را، مانند مسائل جزیره های ایرانی خلیج فارس، منابع مشترک نفت و گاز، منابع دریای مازندران، تعامیت ارضی کشور، و... در خطر تجاوز بیگانگان قرار نداده است. ما برای رودرویی با تمامی آنچه که منافع ملی مان را تهدید می کند ناگزیریم بر همبستگی ملی تکیه کنیم که پیش از هر چیز تبلور آنرا باید در ترکیب مجلس شاهد باشیم. مجلس هفتم با توجه به نحوه شکل گیری آن، هیچ وجه چنین مشروعیتی را نخواهد داشت، و ترس از آن است که منافع ملی را در ابعاد گسترده تری آسیب پذیر سازد. از اینروست که افکار عمومی ملت ایران چنین مجلسی را که بدون رقابت همه جریانهای سیاسی، در یک انتخابات آزاد، بدون هیچ دستکاری و نادرستی، فقط با گزینش یک مجمع شش نفری نامتخب شکل گرفته، پذیر نمی باشد.

با توجه به همه آنچه که گفته شد، ما بار دیگر با فشاری می کنیم که برای بیرون شدن از بحرانهای گسترده ای که میهنمان با آنها دست بگریبان می باشد، راهی جز گام برداشتن در راستای اجرای یک همه پرسی برای تغییر ساختار حکومت برای استقرار حاکمیت ملی و دستیابی به دموکراسی، پیش رو نداریم.

باشد که بر پایه چنین تغییر بنیادین، موفق باشیم در فضایی متفاوت با جو بر تنش امروز، نیروهای کارگران و سازنده کشور را برای بازسازی همه جانبه کشور و سرافرازی ملت ایران سامان دهیم و از برپاشی هانجعات باییم.

مجلس اقلیتی آینده راه، در واقع نمی توان بازتاب اراده اکثریت ملت ایران بشمار آورد. مجلس هفتم، نه تنها به هیچ وجه در برگیرنده دیدگاههای مختلف در جامعه بشمار نمی رود، بلکه فاقد پشتیبانی نخبگان، تحصیل کردگان و نیروهای کارشناسی جامعه است. از سوی دیگر، تاکتیک حاکمیت برای جذب مشارکت مردم، تحریک احساسات قوم گرایی بود و زمینه های نگران کننده ای را در برخی مناطق پدید آورد و کار به برخورد های خشونت بار در شماری از حوزه ها کشیده شد. حاکمیت تعامیت خواه که خود قادر به درک شرایط و دوراندیشی نیست، کشور را درگیر بازی خطرناکی ساخته که می تواند عوارض ناخوشایندی را در پیوند با منافع ملی و تعامیت ارضی در بر داشته باشد.

هدف پیش از دو هزار نفر از نامزدها توسط شورای نگهبان، نشان می دهد که حاکمیت روزه روز از بدنه جامعه و نیروهای اصلاح طلب بیشتر فاصله می گیرد. این درحالی است که بحران منطقه همچنان بصورت گسترده تری مطرح است و قدرتهای جهانی مواضع شدیدتری را در برابر ایران ابراز می کنند. آنهاهی که می خواهند برای توجیه شکست خود در جلب مشارکت مردم، درصد شرکت کنندگان در این انتخابات را با برخی کشورهای پیشرفته مردم سالار جهان مقایسه کنند، باید بدانند که در آن کشورها مشارکت کم مردم به علت رفاه و رضایت کلی و گاهی نبود تفاوت میان نامزدهای رقیب است، نه بی احتیایی به علت سرخوردگی، ناامیدی و خشم از حاکمیتی که آنان را به حساب نمی آورد و برایشان قیم مایه تعیین تکلیف می کند. عدم مشارکت در کشور ما یک مبارزه منفی علیه استبداد و ظلم است. مردم آن جوامع مانند

سراجام داستان انتخابات در دور اول پایان گرفت و وضع حوزه های زیادی روشن شد. همانگونه که پیش بینی می شد، بیشتر نمایندگان از سوی جریان انحصار طلب، به مجلس راه یافتند. در کمتر انتخاباتی دستگامهای وابسته به حاکمیت، بویژه صدا و سیما، تا به این حد برای مشارکت مردم بقیه درانی می کردند. گسترده گی تبلیغات حکومتی برای جلب مشارکت مردم در انتخابات، نشانگر بسج تعامی توان حاکمیت برای افزایش شمار شرکت کنندگان بود. چنانکه برخی خبرگزاریها گزارش کرده اند، در بسیاری حوزه های دست به نارسایی های، از جمله پر کردن صندوقها با جمع کردن شناسنامه و خرید رای، زده شده است. حاکمیت از هیچ اقدامی خودداری نکرد تا بتواند میزان مشارکت مردم را بسیار بالا به جهات نشان بدهد. با این وجود، میزان عدم حضور مردم چنان بوده که شمارش آراء در اتاق در بسته و فرقی شده و بدون حضور خبرنگاران یا ناظران مردم صورت گرفت. با همه این ترندها، سرانجام نتوانستند میزان مشارکت مردم را بیش از پنجاه درصد واجدین شرایط اعلام کنند، که در آن بایستی رای های باطل را که گفته می شود ۱۶۷ درصد بوده ولی فقط ده درصد اعلام کرده اند منظور کرد. بسیاری از مردم، بویژه دانشجویان و کارمندان دولت، فقط می خواستند مهر انتخابات در شناسنامه هایشان زده شود تا در امتحانات یا مسابقه کارمندی برایشان دشواری بوجود نیاید. این رقم خودش حدود چهار میلیون را در بر می گیرد که باید آنرا بر میزان آرای شرکت نکردگان افزود.

حتی اگر بخواهیم آمار اعلام شده حاکمیت را باور کنیم، باید گفت که فزون بر نیمی یک انتخابات رقیبی و بی روح، همچنان شاهد سیر نزولی مشارکت مردم در انتخابات هستیم



آیین بزرگداشت سالگرد دکتر محمد مصدق در احمدآباد

روز پنجشنبه ۱۲ اسفند، برابر با سنت همیشگی، آیین بزرگداشت دکتر محمد مصدق در احمدآباد با حضور حدود ۵۰۰۰ نفر برگزار شد. در این مراسم، پس از سخنرانی افتتاحیه دکتر محمود مصدق و پس از شرح برنامه بازسازی ساختمان اصلی را که در خطر خرابی قرار دارد، حساب شماره ۷۸۳۵ بانک ملی ایران شعبه ۱۵۹ نادری، بنام آقایان حسین شاه حسینی و دکتر محمود مصدق را برای دریافت کمکهای مالی اعلام نمودند.

در این مراسم، آقای حسین شاه ویسی از حزب ملت ایران، آقای علیرضا رجایی و آقای ادیب برومند، رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران درباره حکومت دکتر مصدق و نهضت ملی ایران سخنرانی کردند.

راه تحول

چنان شرطی میشود که بایک ریسمان معمولی از حرکت باز میماند. اگر چه این نه ریسمان بلکه باور ناشی از قدرت زور و استبداد و اماندگی ذهنی فیل است که او را از حرکت باز میدارد.

بخشهای بزرگی از جامعه ما مشتعل بر نسل جوان، با توجه به اینکه رشد و توسعه ضروری و سودمند است، میخواهند دست به تغییر انی سریع بزنند و میگویند به پیش برو به کاری تازه و هیجان انگیز دست بزن. در برابر این ندای خلاق، بخشهای دیگری از جامعه، یعنی محافظه کاران ترجیح میدهند به شیوه‌هایی که تا امروز بر ایشان مفید و موثر واقع شده محکم بچسبند. زیرا ندای محافظه کار درون جامعه میگوید: با آنچه آشناسمت باقی بمان. و پیش خود اینگونه استدلال میکند: «تا بحال که دوام آورده‌ایم، پس چرا تغییر ایجاد کنیم؟» این شیوه اندیشه آنها را از دست زدن به چیزی که برایشان ناآشناسمت باز میدارد و حتی بی اعتنا به زخمهای جسمی و عاطفی که تا بحال بر مردم وارد شده، باز حساسیت و مقاومت به شرح داده و ترجیح میدهند با الگوهای کهنه، اما ایمن و آسوده، زندگی کنند و از مواهب آن برخوردار باشند و در برابر هر تغییر مثبتی پایبندی کند، عاقل از آنکه فطرت زندگی، رشد مدام است. اگر این تنش میان بخشهایی از جامعه که میخواهند رشد کنند و آن بخشهایی که میخواهند کماکان در منطقه آشناء، بی دغدغه و قدیمی سنت فقط باقی بمانند، ارزشیابی درستی بکنیم، می توانیم بحران موجود را به سر منزل مقصود برسانیم. باید دانست محافظه کاری به تنهایی بیماری نیست، بیماری جامعه امروز کشور ما آمیزه‌ای از استبداد و محافظه کاری شدید آنهاست که در جامعه‌ای جوان و پویاست که مجال رشد طبیعی را بر او بسته و تحمل سکون و سکوت را ندارد و به صورت گوناگون عکس العمل نشان میدهد. اگر شهامت آنرا داشته باشیم تا به نیر و های سیاسی و اجتماعی درون کشور بصورت بلاتنباب و های بنگریم که در وجود هر یک از ما فعال است، آنگاه به شیوه موثری میتوانیم سرچشمه تغییر و تحول و اثرات مثبت باشیم. بسیاری از ما یک پا در جهان قدیم داریم و پای دیگر در جهان تازه، و احساس میکنیم در برزخ میان دو جهان گرفتار شده‌ایم. وقتی مواج عاطفی و ذهنی را از میان برداریم، نیر و های خلاق فرصت حرکت و حضور موثر پیدا میکنند. گام نخست اینست که پس از صد سال تجربه که همیشه گفته‌ایم چه نمی خواهیم و با طرد یک مستبد گرفتار مستبد بعدی شده‌ایم، این بار بگوییم چه میخواهیم، بر نامه‌های مثبت را طرح کنیم و از زمامداران اجرای آنرا به جند مطالبه نماییم. اگر جهان جدید را که در حال ظهور است تقویت کنیم، جهان کهنه خود فرو میپاشد. صورتها، نهادها و نظامهای قدیمی از کار میافتند، به هر میزانی که سرگرم ایجاد جهان جدید بشویم خودمان هم احساس هیجان بیشتری پیدا میکنیم. امروز در جامعه‌ای زندگی میکنیم که از نظر سیاسی فعال است، پس همه باید تشویق شوند که نظر ایشان را ابراز کنند. باور دارم که میتوان دگرگونی ایجاد کرد و کشور را به جایی بهتر برای زندگی تبدیل نمود. اما چگونه؟ میان دور نگه داشتن خود از امور سیاسی یا مشارکت در آنها تناقضهای عجیبی بوجود آمده. اگر شرکت نکنیم، محافظه کاران ده در صدهای برنده اند، و اگر شرکت بکنیم چه دستاوردی خواهیم داشت؟ اما، بی تفاوتی مشکل را حل نمیکند. باید مسئولیت دگرگونی را بعهده بگیریم. بنظر من، باید دلسردی سیاسی را کنار گذاشت و به ایجاد جهانی تازه، دستمک در درون خود، همت گماشت. باید پذیرفت که سنت مقدم بر خرد است، و هیچ عقلی قادر به تغییر کل مجموعه سنتها و دوباره سازی کامل آنها از نو نیست، و به تجربه ثابت شده که چنین حرکت عظیم اجتماعی، بغرض وقوع، مفید هم نخواهد بود، چرا که بدون اعمال خشونت، شدنی نیست. میدانیم که فلسفه تدوین قانون و به ویژه قانون اساسی برای ایجاد محدودیت و مشروطیت حکومتهاست که برای سده ها عادت به خودکامگی و تحکم داشته اند، و استفاده از قانونگذاری برای مجاز ساختن اعمال زور یا در تنگنا قرار دادن اراده اکثریت در تعارض با اندیشه قانونگرایی است، ولی سمت و سوی قوانین بسیار معهودکننده جمهوری اسلامی بجای حکام زورگو، مردم هستند که هیچ نهاد و توانی جز امید به حمایت قانون ندارند. هر مز میزنی

یک سده تلاش متعهدانه برای ساختن کشوری سالم و هماهنگ با ترقیات شگرف جهانی باید این درس را به خیلی‌ها داده باشد تا از خود بیبرستند چرا سرپرست پیشرفت نمیکیم؟ و چرا حاصل کار درون گروهی ما به بیرون انتقال نمی‌یابد؟ آیا به چیزی ژرفتر و پر معنا تر نیاز داریم تا در این زندگی سیاسی و اجتماعی در حال گذار، بتوانیم با جایگزینی معنایی تازه، کهنه‌ها را به پس رانیم؟ به چه کاری دست بزنیم تا بتوانیم منشا اثر باشیم؟ کسانیکه وجدانا و صادقانه میگویند اصلاحاتی در زمینه امور سیاسی و اجتماعی کشور بوجود آورند باید دست در دست هم بکشند. تلاشهای یکدیگر را ببینند و ارجحیت پیدا کنند. باید با همه وجودمان در بایم که همگی چیزی از یک کل هستیم و آنچه راه هر یک از ما نتوانم میدهم بر آساده مردم تائیری ژرف مینهد. نخستین گام برای حل هر مساله‌ای تصدیق وجود آن مساله است. با نفعی یا نفاظر به اینکه نقصی در کارها وجود ندارد، نمی توان چیزی را اصلاح کرد. ما در زمینه‌ای بر هر اس زندگی میکنیم که در عین حال قدرتمندترین زمانه لیست که سیاره زمین بخود دیده. برای درک کامل هر چیز باید با تجربه متضاد آن نیز تماس و ارتباط برقرار کرد. زیرا نعمتان مجهولتان الصحت والامان. همچنانکه برای درک کامل شادی باید بتوانیم به پیشواز غم نیز برویم، برای اینکه آموزگار خوبی باشیم باید مشتاق آموختن باشیم و خردمند شدن از اعتراف به نادانی آغاز میشود. لازم است در باره باورها و آرمانهای دیگران نیز بررسی و پژوهش کنیم تا بتوانیم باوری را که مفیدتر و ارجمندتر است باییم، محافظه کاران میخواهند وضع موجود را حفظ کنند و ترقی خواهان مایل به تغییر آن هستند. و هر دو فکر میکنند که با تهدید حقوق و آزادهای فردی شهروندان به هدفهای خود نایل میشوند. جامعه راه میانه را در پیش گرفته، زیرا از هر دو افراط میهراسد. مائیز از اغلب امکانات باخبریم، فقط نمیتوانیم چگونه باید آنها را بکار گرفت و در جهت ساختن کشوری بهتر متجلی ساخت. اما هر یک از ما این قدرت را دارد که نه تنها زندگی شخصی خود را متحول سازد، بلکه میتواند در تحول مین و حتی بهبود زندگی مردم جهان نیز تاثیر بگذارد. همه ما تا اندازه‌ای زخمی شده‌ایم و طبیعتا بر شی بیش از دیگران صدمه دیده‌اند، ولی بی گمان جامعه امروز ایران به شفای ژرف عاطفی نیاز دارد تا آنچه را که بر او گذشته فراموش کند. زیرا امروز کلید راه تحول یکی شدن است، پیوستن به یکدیگر و تبدیل به یک واحد شدن است. درون جامعه، همه کس دوست دارد پذیرفته شود و برای ابراز کامل یک نیروی ملی، باید با متضاد آن به تعاقب رسید. وقتی مساله‌ای در کشور توجه ما را بخود جلب میکند، نخست لازم است مساله را در درون و ذهن خودمان حل کنیم. آنگاه به سطح جامعه بیاوریم. این نیز سر نوشت ماست که به عظیم ترین گسترش درون توسل جویم تا فرزندالمان زندگی بهتری داشته باشند. و سر انجام اگر بخواهیم در آزادی زندگی کنیم، باید پایه آنرا در درون خودمان ایجاد کنیم و با اصلاح کشور درون، به اصلاح همه کس و همه چیز کمک کنیم. اگر بخواهیم کارها را بیرون از خودمان اصلاح کنیم فقط مشکل را دائمی تر میکنیم.

اغلب ما پای سختی های سازنده رشد و تکامل یافته ایم و سختی خود موجب تکامل و دگرگونی است، چرا که انسان را به ادراکی ژرف و مجالهایی تازه و همنون میکند. کشور ما سرزمینی زمین لرزه خیز است و من که در شمال و جنوب مین حضور داشته و خدمت کرده‌ام یک بار از نزدیک شاهد وقوع زمین لرزه در فارس بوده‌ام و دیده‌ام که حتی زمین لرزه که جان و مال و زندگی بسیاری را بآورد و رنجی فراوان نآورد، میتواند برای آنان که باقی میمانند همین احساس زنده بودن و ترجیح آن بر دارایی و مال و منال چگونه سرچشمه حرکت و سازندگی بوده است، و اگر خسارت محافظه کاران به جامعه نوام یا قدری و استبداد می بود، قطعاً با زمین لرزه قابل ستجش نبود که حتی یک جامعه سالم، به اندیشه‌های محافظه کارانه هم نیاز دارد. پزشک هندی تبار آمریکایی، دیپاک جوپرا، مینویسد: «در هند وقتی بچه فیله را تربیت میکنند، مری یک پای عقی فیل را با ریسمان به درخت مینهد. چندی نمی گذرد که فیل به این بند عادت میکند و دیگر برای آزادی خود نمی گو شد. آنگاه مری ریسمان نازکتری به پای فیل می بندد و فیل ندریجا

کپی با رئیس جمهور...

و کشور خود قهر نکرده و هیچگاه ناامیدی و بی تفاوتی را بخود راه نداده و در برابر متجاوزان و استعمارگران و مستبدان چون کوهی استوار از کمان خود دفاع نموده است. البته این راه هم در طول تاریخ خود به خوبی آموخته که چه تکنیک هائی را در چه زمانی برای پیشبرد اهداف خود بکار برد، گاهی با فریاد و خشم و گاهی با سکوت و مبارزه منفی، ولی قهر هرگز این شما هستند که ماملت قهر کرده اید. بیاد آورید گفتارها و میمانها که با شکر چشم خود با این ملت بستید. آیا فراموش شد آن قول و قرارها؟ چه شد آن بیامیهای آزادی و مردم سالاری و عدالت اجتماعی؟ کجا رفت آن نشستها و گفتگوها با جوانان و دانشجویان؟ گفتگوی تمدنها به کجا سرانجامید؟ چند بار گفتید که ناگفتنی هارا با ملت در میان خواهید گذاشت؟ آیا زمان آن هنوز نرسیده است؟

آقای رئیس جمهور در بخش دوم گفتار خود مردم را تشویق می کردید که با هر شرایطی در انتخابات شرکت کنند. البته نفس انتخابات، بنیادین و سرنوشت ساز و مورد تأیید همگان است. و مردم وظیفه دارند در یک محیط کاملاً آزاد در این امر حیاتی و اجتماعی شرکت کنند. ولی وقتی طبق قانون موجود این ملت به اجبار زیر چتر ولایت فقیه قرار گرفته و او را مانند صغیران و سفیهان و محجوران تحت قیمومت قرار داده، رای و خواسته او چه ارزشی می تواند داشته باشد؟ اصولاً در شرایطی که همه امور کشور با حکم حکومتی و شورای منصف نگهبان و مجمع منصف تشخیص مصلحت نظام و قوه قضائیه انجام می آید، رای مردم چه ارزشی دارد؟ دیگر رئیس جمهور و مجلس و مردم چه نقشی می توانند داشته باشند؟ شاید اینهم یک نوع جمهوریست که باید در دایره اعلا عرف هایت شود!

پرسش این است که ملت ایران پس از گذشت ۲۵ سال از انقلاب، اکنون به چه نقطه ای رسیده و وضع چه فرقی با گذشته کرده، اگر بدتر نشده باشد؟ بیاد آوریم آن زمان را که رضاشاه دستور می داد صندوقهای انتخابات را از افراد مورد تأیید و بینه قربان گوی و مطیع خود پر کنند. و آن زمان دیگر را که پسرش برای حفظ طاهر و نشان دادن دموکراسی حزبهایی صوری تشکیل می داد و از علائمان خود با نوصیه ساواک عده ای را برای مجلس انتخابات و به حزبهایی معرفی می کرد و سپس اعلام می داشت که ملت از آند به این افراد رای دهند. آنروزها هم انتخابات مورد تمسخر ملت قرار می گرفت. اکنون تاریخ تکرار می شود. انتخابات از دید جمهوری اسلامی با انتخابات در زمان شاه چه تفاوتی دارد؟

آقای رئیس جمهور، فرمایش حضرت علی (ع) را بیاد آورید که حکومتگران هشیار باشند. همانطور که در مورد حاکمان قبل از خود قضاوت می کنید. خود نیز در معرض قضاوت در پایان کار خواهید بود.

در بیان، به ملت بزرگ و مبارز و آزاده ایران و آنکه حاضر نشدند در انتخابات فرمایشی و غیر آزاد شرکت کنند، ربه انتصایات آری گویند، تریک گفته و در برابر بزرگی و پایداری آنان سر تعظیم فرود می آوریم.

جمال درودی

آقای رئیس جمهور، اجازه فرمایید با خاطرهای فراموش نشدنی و تاریخی از انتخابات دوره شانزدهم مجلس شورای ملی سخن را آغاز نمایم.

در ۲۳ بهمن ۱۳۳۸ دکتر مصدق برای اعتراض به نحوه انتخابات، دعوتی از مردم کرد و وزیر مقتدر دربار جلوتر کاغذ آمد و دکتر مصدق با دیدن او با تعجب پیش از آنکه اجازه دهد او سخنی گوید، فریاد کشید عبدالحسین خیاب تو شرف داری؟ از تو می پرسم این انتخابات آزاد است؟ تو را به وجدالت انتخابات آزاد است؟ هژیر در برابر اعتراض بحق دکتر مصدق با شرمساری سکوت اختیار کرد. آنروز دکتر مصدق زبان گویای مردم بود و این سخنان را از زبان ملت بیان داشت. امروز ملت خود این پرسش را از رئیس جمهور برگزیده می کند: آیا وجدالت این انتخابات آزاد و مردمی بود؟ آیا این همان انتخابات آزاد و رقابتی و با نشاط بود که وعده آنرا داده بودید؟ شما در برابر ملت چه پاسخی دارید؟

آقای رئیس جمهور به یاد داشته باشید که شما از سوی یک شخص به این مقام منصوب نشده اید و رئیس جمهور شرفیانی نیستید که آنچه فرمان می دهند اطاعت نمایید. و در برابر فشارها و اعمال قدرتهای زورمداران استیفا نمی کنید. اگر آن شجاعت و توان را در خود نمی دیدید که از حقوق موکلین خود دفاع کنید باید بیدرتنگ با اعلام ناتوانی از کار کناره گیری می کردید. یک انسان آزاده و مبین دوست و پای بند به اصول و اخلاق در برابر سوغندی که یاد کرده و عهد و پیمانی که بسته و به احترام رای مردم وظیفه وجدالت دارد تا پای جان از حقوق ملت دفاع کند. چه بسیار آزادمدانی که در راه عقیده سر دادند و پیمان نشکستند. البته کسی ریاست جمهوری بسیار و سوسه انگیز و دلقرب است و دل کند از آن شهامت و شجاعت می خواهد. ولی نه پهر قیمتی!

آقای رئیس جمهور، شما در تبلیغات انتخاباتی مجلس و سخنرانی ها و مصاحبه های خود این توبه را می دادید که از انتخابات غیر آزاد و غیر رقابتی خودداری خواهید کرد. چه شد با یک نوبت آن هیجان فروکش کرد و حتی حاضر شدید مسئولیت چنین انتخابات فرمایشی و غیر آزاد را بعهده بگیرید. مطمئن باشید که این بار گران تا ابد بر دوش شما سنگینی خواهد کرد و باید روزی پاسخگویی ملت و تاریخ باشید. متأسفانه شما بارها در طول ریاست جمهوری فرصتهای گرانبایی را یکی پس از دیگری از دست دادید. پایداری شما در مورد برگزاری این انتخابات می توانست نام شما را در کنار دیگر بزرگان و آزادگان تاریخ ایران جاویدان نماید.

شما در مسئله انتخابات سخنها و توبهها و وعده های بسیار دادید که در پای عمل همه بوج شد. ولی در یکی از سخنرانی ها اظهار کردید که ملت نباید قهر کند... باید با هر شرایطی در انتخابات شرکت کنیم... هر چند ناز ساییهایی در بر داشته باشد... در این باره هم به در نکته اشاره نمودید، یکی قهر ملت و دیگر شرکت در انتخابات با هر شرایطی. در بخش اول باید قبول فرمایید که این گفتار هرگز براننده ملت قهر مان و مبارز و فهم ایران نیست. زیرا بشهادت تاریخ، در هیچ برهه از زمان و در هیچ شرایطی مردم ایران با سرنوشت خود

نتایج آماری انتخابات دوره هفتم

پس از ماهها تنش، تحسین و استعفاء نمایندگان مجلس ششم در اعتراض به رد صلاحیت گسترده اصلاح طلبان درون حکومت، که به نشان دادن کثرت قهرمز و اخراج یک طرف مسابقه، پیش از آغاز بازی، توسط داور تعبیر شده است، و تبلیغات گویاننده، مدام و یک سویه صدا در پشتیبانی از یک جناح حکومتی (که ثابت شد تنها حدود ۱۵ تا ۲۵ درصد رای جامعه را داراست)، بالاخره روز آدینه، اول اسفند ۱۳۸۲، انتخابات در نزدیکی به چهل هزار حوزه رای گیری در سراسر کشور انجام شد. بر پایه آمار رسمی، اگر بخواهیم آنرا باور کنیم، از ۱۳۱،۳۵۱،۲۶ فرد واجد شرایط رای دادن، ۳۰۰،۴۲۸،۲۳ رای، یعنی کمی بیش از ۵۰ درصد در انتخابات شرکت کرده اند. که این رقم کمترین در صورت مشارکت در تاریخ جمهوری اسلامی بوده است. رقم چند دهم درصدهای بالاتر از نصف نشان می دهد که نظام و توافق صورت گرفته تا شمار رای به صندوق ریخته شده، حتماً بالاتر از حد باشد. بهمین دلیل، مشارکت در چند حوزه بالاتر از حد درصدها و احادین شرایط بوده و او مشارکت در کهکلیو به ۹۹۹۵ درصد بوده است! استان سیستان و بلوچستان نیز که در همسایگی پاکستان قرار دارد، و شایعه ورود شناسنامه های جعلی از مرز آن بر سر زبانها بود، بالاترین درصد مشارکت در سراسر کشور یعنی حدود ۱۷۰ را داشته است. این در حالی است که شهر تهران با حدود ۲۸ درصد مشارکت کمترین میزان را در سطح کشور داراست، و این رقم نیز با توجه به اینکه از صبح تا حدود ساعت ۶ بعد از ظهر خلوتی و هم انگیزی در سطح شهر وجود داشت، که حتی مجبور شدند حوزه های را تعطیل کنند، در ساعات شب با مراجعه افرادی، که برای ساکنان تهران چندین آشنا به نظر نمی رسیدند، چند حوزه رای گیری رونق مختصری پیدا کرد. ولی اگر ارقام رسمی اعلام شده را هم ملاک قضاوت قرار دهیم و ۵۰ درصد مشارکت را بپذیریم، با احتساب حدود ۱۷ درصد رای سفید و باطله و آرای منتخبین و کاندیداهای غیر محافظه کار میزان آرای جناح راست (که می خواهد با و در اختیار گرفتن ریاست جمهوری هم در انتخابات آینده به حد در حد کنترل ناپذیر آید، تنها مقبولیتی حدود ۱۵ الی ۲۰ درصد می توان تصور کرد. که این مطلقاً نمی تواند ملاک مشروعیت یک حکومت باشد. بنابراین، حکومت جمهوری اسلامی در آینده با بحران مشروعیت، بویژه در برابر طرف های مذاکره خارجی و روبرو خواهد شد. این عدم مشروعیت، در بحران فعلیهای هسته ای ایران و مسئله حقوق بشر نیز بصورت پهنانه آشیل و چشم اسفندیار خود را نشان خواهد داد.

هزینه گزاف حذف اصلاح طلبان

در انتخابات اول اسفند، همانگونه که پیش بینی می شده جناح محافظه کار با مهره چینی های فیل به اکثریت کرسی های مجلس دست یافت، ولی برای این کار بهای بسیار سنگینی پرداخته است، به طوری که نه تنها در صد کل مشارکت، بلکه در بسیاری از حوزه ها (مانند اصفهان) تعداد آرای کاندیداهای محافظه کار پس از ۳ سال نمایندگان، علیرغم افزایش حدود ۱۵ درصد رای دهندگان (به نسبت افزایش جمعیت ساهای ۳۳ میلی ۶۷)، حتی از انتخابات دوره ششم هم کمتر بوده است. از سوی دیگر، ترکیب نخستین به گونه ای است که نشان می دهد که نقش روحانیت حتی در جناح راست نیز کم رنگ شده است و بیشتر چهره های جوان وابسته به سیاه پاسداران و بسیج و اراد معرکه قدرت شده اند. که مشخص نیست گروه های در حاشیه قرار گرفته شده، مانند حزب مؤتلفه اسلامی و تشکلهای هم سو، از روحانیت به قدرت شسته حرف شنوی و اطاعت محض داشته باشند.

نکته دیگر اینکه در انتخابات اول اسفند، بازنندگان رسمی و معنوی گروهها و افراد اصلاح طلبی بودند که در انتخابات شرکت کردند و بدون اینکه پیروزی بدست آورند، اعتبار اصلاح طلبی خود را نیز از دست دادند. و سرانجام تعطیل روزنامه های یاس نو و شرق، تصویب استعفا فاطمه حقیقت جو نماینده تهران، نشان داد که جانش جناح اصلاح طلب و محافظه کار به نقطه بازگشت ناپذیری رسیده است، و بنابراین، در حین رسیدگی به لایحه بودجه، بویژه پس از آنکه دوباره استعفاها و سخنرانی های مربوط به آن آغاز خواهد شد. باید منتظر توبان های افشاگرانه ای بود که از تریبون مجلس بر علیه جناح محافظه کار بر خواهد خاست. ضمن آنکه انتخاباتی از این نوع که گذشت، ضربه پذیری حکومت را در برابر دشمنان خارجی صد چندان کرده است.

معضل درصد مشارکت در انتخابات

در حالیکه سخنگوی وزارت خارجه امریکا انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی در ایران را غیر قانونی خوانده است و دولت انگلیس آنرا مخدوش اعلام نموده و کشورهای آلمان، فرانسه و ایتالیا آنرا غیر قابل قبول دانسته اند، بحث بر سر درصد مشارکت (عبارت عم تمام شایعات و نارسایی ها) همچنان بین وزارت کشور و شورای نگهبان باقی است. در رای دهندگان به ۱۵ سال بالا در اسفند ۱۳۸۲ متولدان ۵ سال (۱۳۶۲) و ۱۳۶۷ و واجدین آداده در صفحه ۲

سخنرانی استاد ادیب برومند در احمدآباد

در روز ۱۲ اسفند، جبهه ملی ایران، برابر با سنت همه ساله، در آیین بزرگداشت سالگرد دکتر محمد مصدق در احمدآباد همراه با تاج گل بزرگی به شکل پرچم سه رنگ ایران، شرکت کرد. آقای ادیب برومند، رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران، یکی از سه سخنران مراسم بودند که چکیده سخنانشان به شرح زیر است: در جهان هستی، پندای مرور زمان بر فراموشی است، به استثنای مردان بزرگ تاریخ که گذشت روزگاران پیوسته بر بلندنامی و محبوبیت آنان می افزاید... دکتر مصدق از آن شمار مردان بزرگ است که هر روز بر سرافرازی او و پیروان راه و رسم سیاسی اش افزوده می شود... آنچه مصدق را به مقام یک قهرمان ملی راستین رسانده است، یکی پنجه در افکندن یا امپراتوری بریتانیا و طرد نیرنگ پازلهای استعماری از لحاظ سیاسی، و دیگر بیرون آوردن ثروت ملی ایرانیان از چنگ بیگانگان از لحاظ اقتصادی است.

مصدق براسی پی برده بود که در ظرف مدت ۱۵۰ سال سیاست بریتانیا چه گرفتاریهایی برای ایران بیار آمده و چه یختهای مهمی از ایران را از بیکر تعامیت این سرزمین جدا شده است... و اینکه تا ریشه این سیاست شوم از بن برنگنده شود، ملت ما روی خوش نخواهد دید و کشورمان راه پیشرفت نخواهد پیمود... مصدق از دو نوع قدرت برخوردار بود، یکی قدرت ملی ناشی از پشتیبانی ملت و دیگر قدرت دولتی، ولی با این همه دست تعدی به جان و مال هیچ کس به هیچ بهانه ای نگشود.

مصدق به حاکمیت ملی و دموکراسی اعتقادی پابرجا داشت و معتقد بود که استقلال کشور و امدار رشد ملی است و رشد ملی مذیون دموکراسی.

مصدق نسبت به صرفه جویی از بیت المال سختگیر بود و اجازه نمی داد که به عنوان مصلحت حکومت دیناری بیرون از کارهای ناگزیر هزینه شود. او به مطبوعات احترام داشت و دستور داده بود که هیچ روزنامه ای را به جرم اینکه اهانتی به او کرده است توقیف نمایند.

ادامه از صفحه ۳

نشست های دانشجویی و جبهه ملی ایران

۱. سه شنبه، هفتم بهمن ماه، دانشگاه صنعتی اصفهان، سخنران: آقای حسین شاه حسینی نایب رئیس شورای مرکزی، درباره رویداد اول بهمن، شانزدهم آذر و مبارزه دانشجویی.
۲. آدینه، ۲۴ بهمن، دیدار ۲۸ نفر اعضای شورای مرکزی انجمن دانشگاه صنعتی اصفهان با دکتر پرویز ورجاوند سخنگوی جبهه ملی در تهران درباره انتخابات مجلس.
۳. یکشنبه، ۲۶ بهمن ماه، دانشگاه رازی کرمانشاه، سخنرانی دکتر پرویز ورجاوند درباره انتخابات.
۴. یکشنبه، ۲۶ بهمن ماه، دانشکده فنی دانشگاه مازندران، بابل، سخنرانی مهندس کورش زحیم، عضو هیئت اجرایی، درباره انتخابات.
۵. سه شنبه، ۲۸ بهمن ماه، دانشگاه تربیت معلم، حصارک کرج، سخنرانی دکتر پرویز ورجاوند درباره انتخابات.
۶. چهارم اسفند، دانشکده فنی دانشگاه مازندران، بابل، سخنرانی دکتر پرویز ورجاوند درباره انتخابات

کاربرد نام جبهه ملی ایران در خارج از کشور

در طی ماههای گذشته، مشاهده شده که گهگاهی نام جبهه ملی ایران در ذیل اعلامیه هایی همراه با سازمانهای کمونیستی مانند حزب توده ایران، مجاهدین خلق، کومله و امثالهم درج شده است. بدینوسیله اعلام می شود که جبهه ملی ایران هیچ ارتباطی با هیچ سازمان سیاسی در خارج از کشور ندارد و هیچ کنترلی در خارج از کشور روی کسانی که ممکن است برای پیشبرد مقاصد خود از نام جبهه ملی ایران (بگونه استفاده کنند ندارد. روابط عمومی جبهه ملی ایران

تسلیم

جبهه ملی ایران در گذشت شادروان بانو شرف السادات فاطمی، خواهر آقای دکتر سعید فاطمی، شخصیت برجسته جبهه ملی ایران، و خواهر زاده شادروان شهید دکتر سید حسین فاطمی، وزیر خارجه و معاون دکتر محمد مصدق، را به خانواده بزرگوار فاطمی و همه دوستان و وابستگان تسلیم می گوید.

نشریه داخلی

پیام جبهه ملی ایران

با یاد دکتر مهدی آذر

تهران - صندوق پستی: ۱۱۲۹ - ۱۵۸۱۵

E-mail: jcbhemelliiran@yahoo.com

واکنشی نشان نداده اند.

آخرین اقدام از این نوع، تقدیر رسمی از فعالان رسانه های دولتی آذربایجان، در جهت ترویج تجربه ایران انجام شده است.

به گزارش خبرنگار "بازتاب" از باکو، روز سه شنبه در نشست رسمی مرکز بین المللی مطبوعات باکو، بر مفهوم آذربایجان واحد تاکید شد. همچنین از نویسندگان مطالب درباره مسائل آذربایجان جنوبی (آذربایجان ایران) تعجیل و به ویژه از خاتم "روشن آرایض" یکی از نهی کنندگان شبکه تلویزیونی دولتی جمهوری آذربایجان قدر دانی شد.

اینهمه حاصل برخورد های معاشات گرا نه حاکمیت انحصار طلبی است که برخورد با بیگانگان را در سیاست خارجی همچنان در شعار مرگ بر آمریکا جستجو می کند و از تحرکات همسایگان و عوامل و البته بان ترکسم روز به روز بیشتر غافل میماند.

در شماره ۵۸ فریاد آزادی، از ارگان داخلی حزب آینده سازان ایران در یک اطلاعیه خبری به افزایش فشار بر فعالان حزب آینده سازان ایران در شهرهای تبریز، رفسنجان، شیراز و اهواز اشاره شده است.

آقای رحیم سرگاز از روزنامه نگاران فعال و دبیر کل ائتلاف روزنامه نگاران استان قزوین در تاریخ اول اسفند به علت مواضع انتقاداتی اش مبنی بر عدم شرکت در انتخابات بوسیله ارگان نامعلومی دستگیر و بعد از یک روز به زندان چوبینه قزوین انتقال می باید.

برنامه سه شنبه شب ۸۷۷۷۷ شبکه خبر که از راه ماهواره دارای موقعیت بخش جهانی است، مکرر در صد مشارکت را ۶۰ درصد اعلام شده بدون اینکه توضیح داده شود که این درصد از کجا آمده است. ظاهراً در ادامه تبلیغات فراگیره این رقم صرفاً برای ایرانیان مقیم خارج در نظر گرفته شده که آنها فقط امکان نگاهی گذرا به برنامه ها را دارند و فرصت وقت در تعداد و ارقام را پیدا نمی کنند.

وزارت کشور در پاسخ به شورای نگهبان اعلام نموده که واجدین شرایط شانزده سال به بالا در اسفند ماه ۱۳۷۸ برابر با ۳۸۷۲۶۲۳۱ نفر بوده که هیچکس به آن اعتراض نداشته است با توجه به اصلاح قانون انتخابات و کاهش سن

تغییر نام خیابان "پهلوی" به "مصدق" در قاهره

خبرنگار "بازتاب" از قاهره گزارش داده، به زودی نام خیابان پهلوی در قاهره رسماً به دکتر مصدق تغییر می یابد. پیشتر گفته می شد، ایران و مصر توافق کرده اند نام خیابان پهلوی در قاهره را به مصدق و نام خیابان خالد اسلامبولی در تهران را به "محمدالدوره" تغییر دهند. بنا بر این گزارش، این توافق در پی دیدار خاتمی و حسنی مبارک در ژنو صورت گرفته است.

اعطای جایزه به ضدایرانی ها در باکو

در حالی که پوشش خشونت های انتخابات ریاست جمهوری آذربایجان از سوی شبکه ایرانی "سحر" با اعتراض گسترده دولت آذربایجان و اعزام نماینده ویژه رئیس جمهور این کشور به ایران مواجه شد، مقامات جمهوری اسلامی تاکنون به اقدامات توسعه طلبانه آذربایجان که در جهت ترویج تجربه ایران انجام شده،